تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

Disgorgement Damages: A Comparative Study of the Possibility or Impossibility of Its Cumulation with Other Forms of Damages in Anglo-American Common Law (with Reflections on Iranian Law)

Author: Shobeir Azadbakht

ردِّ منافع ناشی از نقض حق؛ مطالعهٔ تطبیقی امکان یا عدم امکان جمع با سایر شیــوه‌های پرداخت خسارت در کامن‌لای انگلیسی-آمریکایی (تأملی در حقوق ایران)

نویسنده: شبیر آزادبخت

دانشگاه شمال
(غیرانتفاعی - غیر دولتی)

LEGAL DEVELOPMENT
Volume 2, Issue 2, Serial Number 4, Summer 2026

Receive Date: 25 October 2025 | Accept Date: 14 May 2026
Publish Date: 22 June 2026 | Original Article

Disgorgement Damages: A Comparative Study of the Possibility or Impossibility of Its Cumulation with Other Forms of Damages in Anglo-American Common Law (with Reflections on Iranian Law)

Shobeir Azadbakht

PhD Student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran*

Abstract:

The traditional approach to civil liability has primarily focused on compensating and repairing the losses suffered by the victim (compensatory damages). However, in many instances, the violation of a right not only causes loss to the right-holder but also yields significant profits for the wrongdoer—a situation that classic compensation models cannot fully address. Amidst this, disgorgement of profits arising from a violation of rights has emerged as an exceptional, non-compensatory remedy, initially in Common Law and subsequently in contemporary legal literature. Utilizing a descriptive-analytical method and a comparative approach within English and American Common Law, this research examines the possibility or impossibility of cumulating this remedy with other forms of damage payment, whether compensatory or non-compensatory. The findings indicate that, compared to compensatory damages, disgorgement of profits is fundamentally an exceptional institution; if compensatory damages suffice to protect the victim's rights, awarding disgorgement is unnecessary. At the same time, the unrestricted cumulation of these two remedies can lead to double recovery. Therefore, the appropriate solution in this area is awarding the higher amount or deducting the compensatory damages from the realized profits. Conversely, disgorgement of profits is considered cumulatable with non-compensatory damages, particularl punitive damages, as each serves a distinct function: disgorgement aims to strip the wrongdoer of unlawful gains, while punitive damages serve a punitive and deterrent purpose. Consequently, disgorgement of profits should be applied in a manner that prevents the

* **Corresponding Author:** Shobeir Azadbakht (Shobeir.Azadbakht76@yahoo.com)

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

wrongdoer’s unjust enrichment while simultaneously avoiding both double recovery and under-compensation.

Keywords:

Compensatory Damages, Non-compensatory Damages, Punitive Damages, Reasonable Fee, Expectation Damages.

تاریخ دریافت:۳ آبان ۱۴۰۴| تاریخ پذیرش: ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ انتشار: ۱ تیر ۱۴۰۵| مقاله پژوهشی

رد منافع ناشی از نقض حق؛ مطالعهٔ تطبیقی امکان یا عدم امکان جمع با سایر شیوه‌های پرداخت خسارت در کامن‌لای انگلیسی-آمریکایی (تأملی در حقوق ایران)

شبیر آزادبخت

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران. *

چکیده:

نظام مسئولیت مدنی در رویکرد سنتی خود عمدتاً بر جبران و ترمیم خسارت‌های واردشده به زیان‌دیده استوار بوده است. با این حال، در بسیاری از موارد، نقض حق نه تنها موجب ورود زیان به صاحب حق می‌شود، بلکه برای ناقض نیز منافع قابل توجهی به همراه دارد؛ امری که با الگوهای کلاسیک جبران خسارت به‌طور کامل قابل پاسخ‌گویی نیست. در این میان، ردّ منافع ناشی از نقض حق به‌عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای غیرترمیمی و استثنایی، در حقوق کامن‌لا و سپس در ادبیات حقوقی معاصر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی در حقوق کامن‌لای انگلیسی-آمریکایی، به بررسی امکان یا عدم امکان جمع آن با سایر شیوه‌های پرداخت خسارت، اعم از ترمیمی و غیرترمیمی، می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ردّ منافع، در برابر خسارت ترمیمی، اصولاً نهادی استثنایی است و در صورتی که خسارات ترمیمی برای صیانت از حقوق زیان‌دیده کافی باشند، صدور حکم به ردّ منافع ضرورت ندارد. در عین حال، جمع نامحدود این دو ضمانت‌اجرا می‌تواند به جبران مضاعف بینجامد. ازاین‌رو، راه‌حل مناسب در این حوزه، اعطای مبلغ بالاتر یا کسر خسارت ترمیمی از منافع تحصیل‌شده است. در مقابل، ردّ منافع با خسارات غیرترمیمی، به‌ویژه خسارت تنبیهی، قابل جمع دانسته می‌شود؛ زیرا، هر یک کارکردی متفاوت دارند: ردّ منافع ناظر به سلب سود نامشروع

* **نویسنده مسئول:** شبیر آزادبخت (Shobeir.Azadbakht76@yahoo.com)

از ناقض حق است، در حالی که خسارت تنبیهی جنبه مجازاتی و بازدارنده دارد. نتیجه آنکه، ردّ منافع باید به‌گونه‌ای اعمال شود که ضمن جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه ناقض، مانع جبران مضاعف و تحقق کم‌جبرانی شود.

واژگان کلیدی: خسارت ترمیمی، خسارت غیرترمیمی، خسارت تنبیهی، اجرت‌المثل، خسارت انتظار.

مقدمه:

مسئولیت مدنی از مهم‌ترین ابزارهای نظام حقوق خصوصی برای حمایت از حقوق اشخاص، برقراری نظم در روابط اجتماعی و جلوگیری از بی‌پاسخ ماندن رفتارهای زیان‌بار است. هرگاه حق یا منفعتی که مورد شناسایی و حمایت قانون قرار گرفته، در نتیجه فعل یا ترک فعل دیگری نقض شود، حقوق ناگزیر باید واکنشی متناسب نسبت به این نقض نشان دهد. این واکنش، در معنای متعارف، غالباً در قالب الزام ناقض به جبران خسارت ظاهر می‌شود؛ اما واقعیت آن است که پاسخ حقوق به نقض حق، همواره در یک شکل و با یک منطق واحد خلاصه نمی‌شود. گاه هدف اصلی، جبران زیان واردشده به زیان‌دیده است؛ گاه غرض، بازگرداندن وضعیت به حالت پیشین و در مواردی نیز تمرکز، نه بر میزان کاهش دارایی زیان‌دیده، بلکه بر منافع تحصیل‌شده توسط ناقض حق قرار می‌گیرد. ازاین‌رو، مطالعه شیوه‌های مختلف واکنش حقوقی به نقض حق، از مباحث بنیادین در حوزه مسئولیت مدنی و ضمانت اجراهای حقوق خصوصی به شمار می‌رود.

بر همین مبنا، در کنار خسارات ترمیمی، از گونه‌هایی از واکنش‌های مالی سخن به میان آمده که صرفاً ناظر به جبران کاستی دارایی زیان‌دیده نیستند. این دسته را می‌توان در زمره خسارات یا ضمانت اجراهای غیرترمیمی قرار داد. در این میان، یکی از مهم‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین نهادها، ردّ منافع ناشی از نقض حق است؛ نهادی که خاستگاه برجسته آن را باید در نظام کامن‌لا جست‌وجو کرد، اما امروزه توجه به آن محدود به یک نظام حقوقی خاص نمانده و در ادبیات حقوق خصوصیِ نظام‌های مختلف، به‌ویژه در پیوند با نقض حقوق قراردادی، مالکیت فکری، نقض تعهدات امانی و برخی مصادیق بهره‌برداری نامشروع از حقوق دیگران، جایگاه رو به گسترشی یافته است (See: Hondius & Janssen, 2015: 471-504).

منظور از ردّ منافع ناشی از نقض حق، «سلب تمام یا بخشی از منافع تحصیل‌شده که از طریق نقض حقوق قانونی یا قراردادی ذی‌حق به دست آمده و متعاقباً، رد آن به مُحق» (بابایی و آزادبخت، ۱۴۰۴: ۲۰). با این وصف، کانون توجه در این نهاد، نه صرفاً زیانِ متحمل‌شده از سوی زیان‌دیده، بلکه سودِ تحصیل‌شده از سوی ناقض است. تأکید بر این نکته ضروری است که ردّ منافع ناشی از نقض حق، به‌خودی‌خود موجب مسئولیت نیست،

بلکه ضمانت اجرایی است که پس از احراز مبنای تحمیل مسئولیت و تحقق شرایط لازم، ممکن است از سوی دادگاه مورد حکم قرار گیرد. به بیان دیگر، نخست باید احراز شود که نقض حقی رخ داده و نظام حقوقی برای آن نقض، مسئولیت مدنی یا قراردادی را شناسایی می‌کند؛ سپس، این پرسش مطرح می‌شود که واکنش مناسب در برابر آن نقض چیست و آیا افزون بر یا به‌جای خسارات ترمیمی، می‌توان ناقض را به ردّ منافع حاصل از نقض نیز محکوم کرد یا خیر. ازاین‌رو، نهاد مزبور را نباید با مفاهیمی مانند غصب، اتلاف، تسبیب، استیفا یا حتی برخی مصادیق دارا شدن ناعادلانه بدون تفکیک دقیق مفهومی و کارکردی در هم آمیخت. هر یک از این نهادها دارای مبانی، شرایط تحقق و آثار خاص خود هستند و هرچند ممکن است در برخی مصادیق با یکدیگر تقاطع پیدا کنند، خَلط آن‌ها راه را بر تحلیل دقیق حقوقی می‌بندد.

از همین جا، مسئله اصلی این نوشتار آشکار می‌شود. چنانچه ردّ منافع به‌عنوان یکی از شیوه‌های واکنش حقوقی در برابر نقض حق پذیرفته شود، باید نسبت آن با سایر شیوه‌های پرداخت خسارت، به‌ویژه خسارات ترمیمی، به‌دقت روشن گردد. آیا ردّ منافع و خسارات ترمیمی دو ضمانت اجرای مستقل‌اند که در عرض یکدیگر قرار دارند؟ آیا زیان‌دیده باید میان آن‌ها یکی را انتخاب کند؟ یا آنکه در برخی فروض، امکان جمع میان آن‌ها وجود دارد؟ به تعبیر دیگر، نحوه تعامل ردّ منافع با سایر اشکال جبران خسارت چگونه باید تحلیل شود و مرز میان موارد قابلیت جمع و عدم قابلیت جمع آن‌ها بر چه مبنایی تعیین می‌شود؟

اهمیت این پرسش صرفاً جنبه نظری ندارد، بلکه آثار عملی گسترده‌ای نیز بر آن مترتب است. اگر گفته شود که ردّ منافع همواره و بدون هیچ محدودیتی با سایر خسارات قابل جمع است، این امر می‌تواند به جبران مضاعف بینجامد؛ بدین معنا که زیان‌دیده بیش از آنچه برای جبران نقض حق و آثار آن لازم است، منتفع شود. روشن است که مسئولیت مدنی برای تبدیل زیان‌دیده به شخصی برخوردارتر از وضعیت پیشین طراحی نشده و نمی‌تواند وسیله‌ای برای دارا شدن بی‌جهت او باشد. از سوی دیگر، اگر قابلیت جمع این دو دسته از ضمانت اجراها به‌صورت مطلق نفی شود، این احتمال پدید می‌آید که ناقض حق، علی‌رغم تخلف خود، بخش مهمی از منافع تحصیل‌شده را نزد خود حفظ کند و

زیان‌دیده نیز به جبرانی کمتر از حد لازم دست یابد. نتیجه چنین رویکردی، در مواردی، چیزی جز کم‌جبرانی و حتی ایجاد انگیزه برای نقض سودآور حق نخواهد بود.

بدین‌ترتیب، هر دو سوی افراط و تفریط در این مسئله، با دشواری‌های جدی روبه‌رو است. پذیرش بی‌ضابطه جمع میان ردّ منافع و خسارات ترمیمی، با منع جبران مضاعف و منطق تعادل‌بخش مسئولیت مدنی ناسازگار است؛ همان‌گونه که نفی بی‌استثنای قابلیت جمع نیز ممکن است با اصل جبران کامل خسارت و نیز با ضرورت سلب منفعت از ناقضِ منتفع، در تعارض قرار گیرد. از این حیث، تحلیل رابطه این دو نهاد، تنها بحثی فنی در باب طبقه‌بندی ضمانت اجراها نیست، بلکه به مبانی عمیق‌تری همچون کارکرد مسئولیت مدنی، حدود اصل جبران کامل، منع دارا شدن بی‌جهت، نقش بازدارندگی ضمانت اجراها و نسبت میان حمایت از زیان‌دیده و سلب سود از ناقض گره خورده است. ضرورت انجام این تحقیق، افزون بر آثار نظری، از جهت خلأ موجود در ادبیات حقوقی ایران نیز قابل توجه است. با وجود اهمیت روزافزون مباحث مربوط به منافع ناشی از نقض حق، به‌ویژه در بستر روابط پیچیده قراردادی، فعالیت‌های تجاری، بهره‌برداری از دارایی‌های فکری و مواردی که نقض حق می‌تواند سودهای کلانی برای ناقض ایجاد کند، در حقوق ایران هنوز بحث منسجم و ضابطه‌مندی درباره نسبت ردّ منافع با سایر شیوه‌های جبران خسارت شکل نگرفته است. بخش مهمی از نوشته‌های موجود یا به اصل امکان شناسایی این نهاد پرداخته‌اند، یا آن را با نهادهای مشابه سنجیده‌اند، بی‌آنکه به‌طور مستقل مسئله مهم قابلیت جمع یا عدم قابلیت جمع آن با سایر ضمانت اجراها را موضوع تحلیل قرار دهند (بابایی و آزادبخت، ۱۴۰۵: ۱-۳۳؛ رضایی، ۱۴۰۳: ۱۵۵-۱۷۶؛ خورسندیان و سخنور، ۱۴۰۰: ۶۳-۳۳؛ حسینی و عیسائی تفرشی، ۱۳۹۷: ۲۹-۶۳؛ نعمت‌اللهی و سیدعلی روته، ۱۳۹۹: ۵۵-۳۱؛ رمضانی ماهونکی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۱-۱۲۱؛ بالی‌پور بابادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۲-۱؛ عابدیان و عبدی، ۱۳۹۹: ۳۹۹-۴۱۹.). این کمبود، در مقام نظر، موجب ابهام در تبیین ماهیت نهاد مزبور و در مقام عمل، سبب ناهمگونی در تحلیل‌های حقوقی و چه‌بسا صدور آراء غیرمنسجم خواهد شد.

باری، این نوشتار می‌کوشد با شیوه تحلیلی-توصیفی و با نگاهی تطبیقی به کامن‌لای انگلیسی-آمریکایی به پرسش‌های پیش‌گفته پاسخ دهد. در همین راستا، در بخش اول مفاهیم بنیادین تحقیق عرضه خواهد شد. در بخش دوم، اصل یا استثنا بودن ردّ منافع

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

تحلیل می‌گردد و سرانجام، رابطه میان نهاد موردنظر با سایر شیوه‌های پرداخت خسارت مورد مداقه قرار خواهد گرفت.

۱. مفاهیم

در این بخش، بدواً مفهوم خسارات ترمیمی و مصادیق آن تبیین خواهد شد. سپس، مفهوم خسارات غیرترمیمی و مصادیق متفاوت آن عرضه می‌گردد.

۱/۱. خسارات ترمیمی و مصادیق آن

شیوه مرسوم و عادی پرداخت خسارت در نظام حقوقی کامن‌لا و ایران[۱]، پرداخت خسارات ترمیمی است (Clapton, 2008: 991; Franklin & Rabin, 1996: 613). هدف از پرداخت خسارت ترمیمی، ترمیم آن نوع زیانی می‌باشد که به زیان‌دیده تحمیل شده است (Pearce & Halson, 2008: 77). بنابراین، دادگاه در تعیین میزان خسارت، به چیزی غیر از زیان خواهان دعوا توجه نمی‌کند. برای دادگاهی که مبتنی بر نظام ترمیم زیان گام برمی‌دارد، سوءنیت عامل زیان در ارتکاب فعل زیان‌بار فاقد اهمیت است. همچنین، اگر عامل زیان به دلیل اقدام خویش منافعی کسب نماید که از میزان زیان وارده به زیان‌دیده بیشتر باشد، دادگاه علی‌الاصول عنایتی به این منفعت نخواهد کرد. با این اوصاف، هدف از پرداخت خسارت، تنبیه عامل زیان به علت عمد، سوءنیت یا جسارت وی در ارتکاب فعل‌زیان‌بار و یا محروم کردن وی از منافعی که در اثر اقدام خویش به دست آورده، نیست. آنچه حائز اهمیت است، در نظر گرفتن زیان خواهان و تلاش در جهت ترمیم و جبران آن زیان است. [۲] مصادیق خسارات ترمیمی در مسئولیت مدنی قراردادی و قهری از قرار ذیل هستند:

۱/۱/۱. خسارت انتظار

منظور از «خسارت انتظار» [۳]، انتظار زیاندیده (متعهدله) از اجرای قرارداد است و پرداخت خسارت در صورت نقض قرارداد می‌بایست تا حدی صورت پذیرد که گویی قرارداد اجرا شده و متعهدله در همان جایگاهی قرار گرفته که اگر قرارداد اجرا می‌شد (و نقض

[۱] برای مطالعه بیشتر، ر.ک.: یزدانیان، ۱/۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۱۷.

[2] Also see: Strand Electric and Engineering Co Ltd v Brisford Entertainments Ltd. 2 Q.B. 246, [1952]; Colbeam Palmer Ltd. v Stock Affiliates Pty Ltd. 122 CLR 25, [1968]

[3] Expectation damages

تحولات حقوقی دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

نمی‌گردید)، در همان جایگاه قرار داشت. پس، خسارت انتظار، سعی در اعطای مابه‌ازای آن چیزی (موضوع قرارداد) است که متعهدله در اثر نقض قرارداد از دست داده و قرار است از طریق دریافت خسارت انتظار به معادل آن (نه خود موضوع قرارداد) دست یابد. بر این بنیاد، متعهدله علی‌القاعده نباید هیچ چیزی بیشتر یا کمتر از معادلِ موضوعِ قراردادِ از دست رفته را از متعهد اخذ نماید (Hillman, 2014: 154).

۲/۱/۱. خسارت اعتماد

«خسارت اعتماد» [۴]، خسارتی است که برای تعیین میزان آن فرض بر این است که اگر قرارداد وجود نداشت، زیان‌دیده چه هزینه‌هایی را جهت انعقاد و اجرای قرارداد متحمل نمی‌شد. حال، همان هزینه‌ها به دلیل اینکه قرارداد منعقد شده، به زیان‌دیده پرداخت می‌شود (Peel, 2012: at para 20-027). پس، اگر در خسارت انتظار هدف این بود که زیان‌دیده قراردادی را به جایگاهی سوق دهیم که اگر قرارداد اجرا می‌شد، در آن وضعیت قرار داشت؛ در خسارت اعتماد هدف این است که زیان‌دیده قراردادی به وضعیتی سوق پیدا نماید که اگر قرارداد اساساً وجود نداشت، وی چه هزینه‌هایی را متحمل نمی‌شد. فلذا، همان هزینه‌ها اکنون به عنوان مبنای پرداخت خسارت در نظر گرفته می‌شوند

۳/۱/۱. اجرت‌المثل

عده‌ای از حقوقدانان «اجرت‌المثل» [۵] را محدود به عقد اجاره و اینگونه تعریف کرده‌اند که اجرت‌المثل عبارت است از «(= بهره‌بها) اگر استفاده از مال یا عمل دیگری مستند به عقد اجاره نباشد و یا بیرون از مدلول عقد اجاره باشد باید عوض آن را بدهد، این عوض را اجرت‌المثل نامند» (جعفری لنگرودی، ۲/۱۳۹۵: ۱۵۴-۱۵۵). با وجود این، اجرت‌المثل را نباید لزوماً دائر مدار وجود یا عدم وجود عقد اجاره معرفی نمود. به همین مناسبت، برخی دیگر اجرت‌المثل را بدل منفعت تلقی کرده و این تعریف را به فقها نسبت داده‌اند بر این بنیاد، اجرت‌المثل به معنای مابه‌ازای عرفی و بازاری بهره‌مندی از عمل یا مال متعلق به دیگری است (اشرفی، ۱۳۸۵: ۱۷۰-۱۷۱). استفاده از مال یا عمل دیگری می‌تواند ریشه قراردادی یا غیرقراردادی داشته باشد، لکن قدر متیقن آن است که هیچ توافقی میانِ طرفینِ رابطه حقوقی در ارتباط با مبلغ قابل پرداخت نشده باشد. ضمان منافع ناشی از

[4] Reliance damages
[5] Reasonable fee

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

تصرف بدون اذن در مال غیر ماهیتاً برای جبران خسارت وارده به مالک اموال است. [۶] به عبارت بهتر، اجرت‌المثل پرداخت شده نوعی خسارت ترمیمی است. مؤید این رویکرد، دیدگاه فقها در خصوص ضمان نسبت به منافع غیرمستوفات است. این سوال همواره مطرح بوده که آیا غاصب نسبت به منافع غیرمستوفات نیز ضامن است یا خیر؟ سوای از تمام اختلاف‌نظرات موجود در این زمینه، «تفویت منافع مستند به عمل شخص متصرف است و بنابراین از طریق اتلاف و یا قاعده تسبیب قابل مطالبه خواهد بود. صدق اتلاف در منافع مستوفات و تسبیب در منافع غیرمستوفات، دارای وجاهت عرفی است» (محقق داماد، ۱/۱۳۹۷: ۱۰۰). وانگهی، اگر هدف اصلی از غصب و در واقع، موضوع آن «بازگرداندن» به وضعیت قبل از تحقق غصب باشد (کاتوزیان، ۲/۱۳۹۴: ۲۰۹-۲۱۰)، این همان هدفی است که خسارات ترمیمی به دنبال آن هستند. پس، اجرت‌المثل به عنوان نوعی خسارت غیرترمیمی که هدف از آن جبران زیان نیست، پرداخت نمی‌شود، بلکه وجود اجرت‌المثل و پرداخت آن با هدف جبران خسارت (تفویت منافعی که از سوی غاصب صورت پذیرفته است)، انجام می‌شود (داراب‌پور، ۱۳۹۶: ۲۹۷).

۲/۱. خسارات غیرترمیمی و مصادیق آن

خسارات غیر ترمیمی در نظام حقوقی کامن‌لا از طریق ذکر مصادیق و اهداف مورد نظر آن شناخته و تعریف می‌شوند (See: Harpwood, 2009: 423-426). در خسارات غیر ترمیمی، نظام حقوقی تمرکز خود را از زیان‌دیده به امور مهم دیگری معطوف می‌کند. گاه، توجه نظام حقوقی به سوءنیت و جسارت عامل زیان در ارتکاب فعل زیان‌بار است. نظام پرداخت خسارات در این مقطع سعی در تنبیه و مجازات مدنی عامل زیان دارد تا هم او را ادب نماید و هم عاملین بالقوه زیان از میزان پرداخت خسارات توسط وی عبرت بگیرند. گاه نیز، قانونگذار به دنبال شناسایی حق نقض شده زیان‌دیده و محکوم کردن عامل زیان است. در این موارد، ممکن است اساساً هیچ زیان قابل محاسبه‌ای به خواهان تحمیل نشده باشد؛ لکن، با توجه به نقض حق قانونی یا قراردادی که رخ داده، تلاش نظام حقوقی بر محکوم کردن خوانده دعوای مسئولیت مدنی و پرداخت خسارت (هرچند ناچیز) توسط او

[۶] دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۰۰۱۱۱۰۰۰۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۷ صادره از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان تهران: «... از پرداخت اجرت‌المثل که یک نوع خسارت است ...».

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

می‌باشد. در برخی دیگر از موقعیت‌ها، نظام مسئولیت مدنی قهری و قراردادی به وضعیت عامل زیان نیز نظر می‌افکند. آری، نگاه به وضعیت زیان‌دیده در دعاوی مسئولیت مدنی بسیار حائز اهمیت است؛ اما این موضوع، نباید منجر به غافل شدن از منافع حاصل از فعل زیان‌بار که توسط عامل زیان کسب شده، شود. بنابراین، حسب هر یک از اهداف ذکر شده، قانونگذار از توجه صرف بر زیان‌دیده دست برداشته و نگاه و مسیر جدیدی را آغاز می‌کند. در این مسیر جدید، ممکن است عنصر معنوی عامل زیان (سوءنیت)، شناسایی حق زیان‌دیده و یا منافع نامشروع و بی‌مبنای تحصیل‌شده توسط خوانده مورد توجه قرار گیرد. مهم‌ترین مصادیق خسارات غیرترمیمی از این قرار هستند:

۱/۲/۱. خسارت اسمی

«خسارت اسمی» [۷] هنگامی توسط دادگاه‌های کامن‌لا مورد حکم قرار می‌گیرد که یا ظاهراً زیانی به خواهان دعوای مسئولیت مدنی وارد نشده و یا در صورت ورود زیان، این زیان قابلیت اندازه‌گیری و متعاقباً پرداخت ندارد (Bauman et al., 2006: 2). در حقوق انگلیس، قاعده عمومی آن است که «هر نقض حقی ادعای خسارت اسمی را دربر می‌گیرد، حتی اگر همه زیان‌های واقعی به اثبات نرسیده باشند». به علاوه، در حقوق آمریکا نیز قاضی استوری در پرونده وب علیه تولیدی پورتلند (سال ۱۸۳۸)[۸]، اظهار داشت که: «... هر جایی که خطا باشد، ضمانت‌اجرایی برای مقابله با آن وجود دارد ... و اگر هیچ زیان دیگری به اثبات نرسیده باشد، خواهان مستحق حکم خسارت اسمی خواهد بود» (Blanchard, 2022: 234). در این صورت، دادگاه‌ها به صرف نقض حقی که از سوی خوانده رخ داده، وی را به اصطلاح، به پرداخت خسارت اسمی (مثلاً، ۱ دلار) محکوم می‌کنند. در حقیقت، هدف از پرداخت این نوع از خسارت، اولاً، به رسمیت شناختن حق خواهان و حمایت از آن و ثانیاً، اعلام نقض حق و ارتکاب رفتار ناقضانه توسط خوانده است. با این اوصاف، خسارت اسمی توجهی به جبران و ترمیمِ زیانِ زیان‌دیده ندارد. خسارت اسمی در هر دو نوع مسئولیت مدنی قهری و قراردادی پذیرفته شده است. به عنوان نمونه، بیان شده است که اگر قرارداد نقض شود و زیانی نیز به متعهدله تحمیل نشود، در این

[7] Nominal damages
[8] Webb v. Portland Mfg. Co. [1838]

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

وضعیت، حکم به خسارت اسمی صرفاً نشان‌دهنده نقض قرارداد و عدم اجرای به موقع آن توسط متعهد است (Virgo & Worthington, 2017: 211).

۲/۲/۱. خسارت تنبیهی

علی‌رغم اینکه تنبیه و مجازات از اهداف اصلی حقوق کیفری محسوب می‌شوند، در کامن‌لای انگلیسی-آمریکایی نوعی از خسارت موسوم به «خسارت تنبیهی» [9] وجود دارد که هدف از آن مجازات و عقوبت عامل زیان است. سابقه تاریخی خسارت تنبیهی در حقوق انگلیس به قرن ۱۸ میلادی بازمی‌گردد. پس از آن در سال ۱۹۶۴ و در دعوای روکس علیه بارنارد[10] این خسارت قاعده‌مند گردید. در حقوق این کشور، خسارت تنبیهی در چند وضعیت قابل مطالبه است (Koziol & Wilcox, 2009: 9): ۱. اقدامات ظالمانه، خودسرانه یا خلاف قانون اساسی خدمتگزاران دولت؛ ۲. رفتار محاسبه شده توسط عامل زیان برای کسب منفعت برای خود که ممکن است از غرامت قابل پرداخت به زیان‌دیده بیشتر باشد و ۳. تصریح قانون. در ایالات متحده آمریکا، خسارت تنبیهی معمولاً دو هدف را دنبال می‌کند: ۱. مجازات یک طرف برای انجام رفتارهای نادرست، بدخواهانه یا ظالمانه و ۲. بازدارندگی ناقض و دیگران از انجام رفتار ممنوعه در آینده. به عبارت بهتر، در خسارت تنبیهی، دادگاه محدود به جبران زیان زیان‌دیده نبوده و ممکن است چند برابر زیان وارده، عامل زیان را از باب تنبیه محکوم به پرداخت خسارت کند.

در حقوق ایران، به غیر از نص ماده ۴ قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب سال ۱۳۹۱، قانونگذار به امکان اعطای خسارت تنبیهی نپرداخته است. مطابق این ماده، «با توجه به اصل عمل متقابل، میزان، در تقویم خسارات مادی، معنوی و تنبیهی زیان‌دیدگان، مشابه احکام صادره از دادگاه خارجی است». سابقه تاریخی تصویب این ماده مانع از تسری حکم موضوع ماده به سایر مواردی که مسئولیت مدنی قهری یا قراردادی ایجاد می‌شود، می‌گردد. در حقیقت، قانونگذار ایرانی به جهت ایجاد شرایط خاص و صدور احکام متعدد مبنی بر محکومیت به خسارت تنبیهی توسط دادگاه‌های آمریکایی، چنین حکمی را صرفاً از باب مقابله به مثل تصویب نمود. بر این بنیاد، بعید است که بتوان از حکم مندرج در ماده ۴

[9] Punitive damages
[10] Rookes v. Barnard

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

قانون مذکور قاعده عمومی اصطیاد نمود. بنابراین، خسارت تنبیهی در حقوق ایران فاقد مبنای صریح قانونی برای ایجاد قاعده در خصوص لزوم پرداخت این نوع از خسارت در مسئولیت مدنی قهری و قراردادی است. پس، آنچه از ظاهر قوانین مسئولیت مدنی قهری یا قراردادی ایران برمی‌آید آن است که خسارت تنبیهی قابلیت مطالبه ندارد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۷: ۱۵۸).

۲. ردّ منافع ناشی از نقض حق؛ اصل یا استثنا

قاعده‌ی عمومی در نظام مسئولیت مدنی آن است که خسارات قابل پرداخت به صاحب حق، بر مبنای اصول حاکم بر خسارات ترمیمی تعیین گردد. سایر شیوه‌های جبران خسارت، در حقیقت نقش مکمل و یاری‌دهنده دارند و تنها در مواردی به کار گرفته می‌شوند که خسارات ترمیمی به تنهایی نتوانند پاسخگوی تمامی ابعاد زیان وارده باشند. این موضع‌گیری، از حیث نظری و عملی، طبیعی و منطقی جلوه می‌کند؛ زیرا، در غالب مصادیق مسئولیت مدنی (اعم از قهری یا قراردادی) تمسک به خسارات ترمیمی برای تأمین حقوق زیان‌دیده کفایت می‌کند و به‌طور مطلوب از حقوق او صیانت به عمل می‌آورد. بر همین اساس، نهاد ردّ منافع ناشی از نقض حق را نمی‌توان نخستین و اصلی‌ترین ابزار نظام مسئولیت مدنی در جبران خسارت دانست. این نظام، در بدو امر، همواره در پی ترمیم زیان وارده به متضرر است و تلاش می‌کند وضعیت او را به حالت پیشین بازگرداند. تنها در صورتی که خسارات ترمیمی از حیث کارکرد و میزان، کفایت لازم را نداشته باشند، سایر شیوه‌های جبران خسارت (از جمله ردّ منافع ناشی از نقض حق) وارد میدان می‌شوند و به یاری خسارات ترمیمی می‌شتابند تا عدالت ترمیمی و بازدارندگی حقوقی به نحو کامل محقق گردد. بدین‌سان، جایگاه ردّ منافع ناشی از نقض حق در نظام مسئولیت مدنی، جایگاهی ثانوی و تکمیلی است.

پیش‌فرض ادبیات حقوقی حاکم بر کامن‌لای انگلیسی-آمریکایی آن است که ضمانت اجرای ردّ منافع ناشی از نقض حق در طول سایر ضمانت اجراهای موجود در نظام مسئولیت مدنی قراردادی بوده و در شرایط استثنایی (توضیح آن در بخش دوم خواهد آمد) مورد استفاده قرار خواهد گرفت (Scharge, 2013: 17-22). لذا، ردّ منافع ناشی از نقض حق در حقوق قراردادها استثنا است (Sangiuliano, 2016: 149). از این منظر، ردّ

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

منافع ناشی از نقض حق به عنوان آخرین مسیر برای حمایت از صاحب حق قراردادی به کار گرفته می‌شود. استثنایی بودن این نهاد از ارکان و شرایط مطالبه آن به روشنی قابل برداشت می‌باشد. به واقع، یکی از ارکان ردّ منافع ناشی از نقض حق در حقوق آمریکا و انگلیس، «عدم کفایت» [11] خسارات ترمیمی و همچنین، عدم امکان الزام به اجرای عین تعهد در حمایت از حقوق نقض‌شده خواهان دعوای مسئولیت مدنی قراردادی است. این عدم کفایت بدین معناست که در صورت پرداخت خسارت ترمیمی و جبران کامل خسارات زیان‌دیده، قاعدتاً نوبت به پرداخت ردّ منافع ناشی از نقض حق نمی‌رسد. استثنایی تلقی

[11] Inadequacy of compensatory damages

علت اصلی اخذ خسارت توسط زیان‌دیدگان آن است که ایشان بتوانند از طریق مبالغ دریافتی معادل آن حق یا ارزشی را که به دلیل فعل عامل زیان از دست داده‌اند، تهیه و تأمین نمایند. به عنوان مثال، اگر «الف» به دلیل نقض قرارداد کالای خاصی را که سابقاً متعهد به انتقال آن به «ب» شده بود با قیمت بالاتر به «ج» بفروشد، در این صورت پرداخت خسارت انتظار (معادل قیمت بازاری آن کالا) نمی‌تواند زیان وارده به صاحب حق را جبران کند؛ چرا که، از طریق مبالغ پرداختی به وی، نامبرده نمی‌تواند به دلیل خاص بودن کالا معادل آن را در بازار به دست آورد. بر عکس، در صورتی که جایگزین کالا در بازار قابل تهیه باشد، خسارت انتظار برای جبران زیان کفایت کرده و نیازی به کاربست ردّ منافع ناشی از نقض حق نخواهد بود. بنابراین، عنصر جایگزینی و امکان به دست آوردن معادل در تشریح مفهوم عدم کفایت خسارت ترمیمی بسیار با اهمیت خواهد بود (بند ۲ از ماده ۳۹ سومین بازتبیین استرداد و دارا شدن ناعادلانه). با وجود این، به نظر می‌رسد که علاوه بر عنصر جایگزینی، اهمیت حق و لزوم صیانت از آن نیز در مفهوم عدم کفایت بسیار مؤثر باشد. ممکن است حقی که بدان تجاوز شده از چنان اهمیتی برخوردار باشد که عرفاً یا قانوناً کسب سود از طریق آن به هیچ وجه مورد پذیرش نباشد. پس، در مفهوم عدم کفایت همواره باید دو ملاک «جایگزینی» و «اهمیت صیانت از حق» مورد توجه قرار گیرد.

باری، تصور اینکه در همه موقعیت‌های تحقق مسئولیت مدنی قهری و قراردادی امکان ارزیابی دقیق زیان و متعاقباً، پرداخت خسارت به زیان‌دیده وجود دارد، بسیار ساده‌انگارانه است. عدم امکان ارزیابی دقیق میزان زیان می‌تواند علل مختلفی داشته باشد: گاه، ماهیت حق آسیب‌دیده (نظیر زیان معنوی) باعث می‌شود که تعیین دقیق میزان زیان با دشواری غیرقابل وصفی مواجه شود. گاه نیز، پیچیدگی‌های فعل زیان‌بار و حق نقض‌شده به صورتی است که تخمین میزان زیان وارده را با مشکلات جدی همراه می‌کند. نظام مسئولیت مدنی نباید نسبت به نقض حقی که در نتیجه آن، ناقض از عمل نامشروع خویش بهره‌مند می‌گردد، بی‌تفاوت بماند؛ چراکه، اقدام دادگاه در تخمین حدسی میزان زیان باعث ایجاد انگیزه در قانون شکنان می‌شود. به این ترتیب، خسارات ترمیمی بازدارندگی لازم را نخواهند داشت. لذا، نظام پرداخت خسارات باید از شیوه‌های دیگر پرداخت خسارت (نظیر ردّ منافع ناشی از نقض حق) برای نیل به مقصود خود (که همانا تأمین حقوق صاحبان حق و بازدارندگی است) بهره‌برداری کند. افزون بر این موارد، در برخی موارد میزان زیان وارده به صاحب حق از طریق ملاک‌های استاندارد ریاضی قابل محاسبه است. با این حال، گاه حقِ صاحبان حقوق به گونه‌ای است که می‌بایست عرفاً (یا حتی به طور قراردادی) از هرگونه تعرض و تجاوز فرصت‌طلبانه جهت کسب منفعت مصون بماند. توافق‌های عدم رقابت یا قواعد ضد رقابت ناسالم در قوانین مختلف که برای سامان دادن به روابط میان بنگاه‌های اقتصادی است، در زمره این گروه هستند. افزون بر این‌ها، در برخی موارد ممکن است حق نقض‌شده (مانند تعهد به حفظ محرمانگی اطلاعات) به گونه‌ای باشد که ذاتاً با پرداخت خسارت ترمیمی امکان جبران آن فراهم نباشد؛ زیرا، به محض ارتکاب فعل و نقض حق ماهیتاً امکان بازگشت به وضعیت قبل از نقض وجود نخواهد داشت. برای مطالعه بیشتر، ر.ک.: (Edeleman, 2002: 151)

کردن ردّ منافع ناشی از نقض حق تا بدانجاست که برخی از نویسندگان موضوع اثر خویش را به شناسایی شرایط استثنایی که اعطای این نوع از خسارت قابل پذیرش است، اختصاص داده و به طور مفصل این شرایط استثنایی را مورد بررسی قرار داده‌اند (Campbell & Wylie, 2003: 605-630). مؤید این دیدگاه، توسط لرد نیکولز[12] در پرونده بلیک[13] به شرح ذیل آمده است:

«احتساب منافع [ردّ منافع ناشی از نقض حق] فقط در شرایط استثنایی مناسب خواهد بود ... تنها در موارد استثنایی، که این ضمانت‌اجراها [یعنی، خسارت ترمیمی، الزام به اجرای عین تعهد و دستور منع] ناکافی هستند، هرگونه سوال در مورد احتساب منافع [ردّ منافع ناشی از نقض حق] مطرح می‌شود».

با وجود این صراحت در مسئولیت مدنی قراردادی، به استثنایی بودن ردّ منافع ناشی از نقض حق در مسئولیت مدنی قهری اشاره نشده است. البته، «به دلیل قوت «قاعده ضرر» (به معنی پرهیز از آسیب رساندن به دیگران)، فرض اخلاقی برای جبران ضرر، صرف‌نظر از اینکه با منافعی که عامل زیان به دست آورده، مطابقت داشته باشد یا نباشد، عموماً قوی‌تر از الزام به حذف منافعی است که با زیان‌ها مطابقت ندارد. این نظر توضیح می‌دهد که چرا اصل ترمیمی و جبرانی بودن خسارات به طور کلی در سراسر مسئولیت مدنی اعمال می‌شود، در حالی که ردّ منافع ناشی از نقض حق حوزه عمل محدودتری دارد» (Cane, 1997: 113). بنابراین، به دلیل تفوق و حاکمیت اصل جبرانی بودن ضرر در کامن‌لا و حقوق ایران، همچنان ردّ منافع ناشی از نقض حق به عنوان یک قاعده عمومی در نظام جبران خسارات در نظر گرفته نمی‌شود.

۳. رابطه ردّ منافع ناشی از نقض حق با خسارات ترمیمی و غیرترمیمی

با توجه به تقسیم خسارات قابل پرداخت به ترمیمی و غیرترمیمی، رابطه ردّ منافع با این دو نوع خسارت لازم به نظر می‌رسد. لذا، این رابطه به ترتیب مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱/۳. خسارات ترمیمی

[12] Lord Nicholls
[13] Attorney-General v Blake 2001

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

همان‌گونه که پیش‌تر مورد تأکید قرار گرفت، ردّ منافع ناشی از نقض حق نهادی استثنائی در نظام مسئولیت مدنی محسوب می‌شود. این استثنائی بودن بدین معناست که چنین ضمانت اجرایی در طول سایر شیوه‌های جبران خسارت قرار دارد و تنها در مواردی به کار گرفته می‌شود که ابزارهای متعارف جبران زیان، یعنی خسارات ترمیمی، برای تأمین حق صاحب حق کافی نباشند. بر این مبنا، هرگاه خسارات ترمیمی بتوانند به‌طور کامل زیان وارده را جبران کنند، اساساً نیازی به توسل به نهاد رد منافع وجود نخواهد داشت. فلسفه‌ی وجودی این نهاد، نه جایگزینی خسارات ترمیمی، بلکه تکمیل کارکرد نظام مسئولیت مدنی در موارد خاص است.

در همین راستا، برخی از حقوقدانان با توجه به شرایط حاکم بر نظام مسئولیت مدنی در حقوق کامن‌لا، ترتیب میان ضمانت اجراهای ناشی از نقض تعهد را به‌صورت سلسله‌مراتبی بیان کرده‌اند. مطابق این دیدگاه، نخستین ابزار جبران، خسارات ترمیمی است که هدف آن بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به حالت پیشین می‌باشد. در مرتبه‌ی دوم، الزام به اجرای عین تعهد قرار دارد که در مواردی به‌عنوان راه‌حل تکمیلی برای تضمین حقوق متعهدله اعمال می‌شود. و نهایتاً، در مرتبه‌ی سوم و به‌عنوان آخرین ابزار، ردّ منافع ناشی از نقض حق مطرح می‌گردد که تنها در شرایط خاص و استثنائی برای جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه ناقض مورد حکم قرار می‌گیرد (Cunnington, 2008: 141). این ترتیب نشان می‌دهد که ردّ منافع، نه یک ضمانت اجرای عمومی و همیشگی، بلکه نهادی است که در موارد خاص و به‌عنوان آخرین راهکار برای صیانت از حق و جلوگیری از سودجویی نامشروع ناقض به کار گرفته می‌شود.

البته، این ترتیب بدین شکل در حقوق ایران قابل پذیرش نخواهد بود؛ زیرا، در حقوق ما خسارت ترمیمی بر الزام به اجرای عین تعهد مقدم نیست، بلکه حسب اقوال متفاوت فقط این موضوع مورد اختلاف است که آیا الزام به اجرای عین تعهد مقدم بر مطالبه خسارت است یا بدواً می‌بایست الزام از دادگاه خواسته شود و در صورت عدم امکان الزام، خسارات بدل از موضوع تعهد قابل مطالبه هستند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک.: بابایی، ۱۴۰۴: ۳۷-۷۴). رویکرد نظام حقوقی ایران (از میان این دو نظریه) هرچه باشد، تغییری در رتبه ردّ منافع ناشی از نقض حق به دلیل ماهیت استثنائی آن ایجاد نخواهد شد.

با این حال، توضیح یک موضوع در ارتباط با اجرت‌المثل در این مقطع از نوشتار لازم است؛ چه آنکه، اگر اجرت‌المثل به عنوان یک خسارت ترمیمی تکافوی جبران خسارات و صیانت از حقوق خواهان را بنماید، دیگر نوبت به ردّ منافع ناشی از نقض حق نخواهد رسید. پس، پرسش آن است که اگر در یک دعوای مسئولیت مدنی قهری و قراردادی اجرت‌المثل مورد حکم قرار گرفت، آیا ردّ منافع می‌تواند بروز و ظهور داشته باشد یا خیر؟ می‌توان ادعا کرد که این سؤال از جمله مسائل پیچیده و دشواری می‌باشد که حتی در کامن‌لای آنگلو-آمریکایی به درستی حل نشده است. البته، این ادعا به معنای آن نیست که دکترین کامن‌لایی بدان نپرداخته باشند. در حقیقت، برای تشخیص اینکه چه زمانی می‌توان از اجرت‌المثل گذر کرد و ردّ منافع ناشی از نقض حق را مورد حکم قرار داد، پیشنهاداتی از سوی اندیشمندان مطرح شده است (Temple, 2008: 104-105/109).

به عنوان نمونه، آن‌هایی که عنصر اصلی ردّ منافع ناشی از نقض حق را وجود تقصیر عمدی و سوءنیت می‌دانند، معیار تمایز را وجود یا فقدان همین رکن دانسته‌اند. پس، اگر ناقض عمداً مرتکب نقض حق شده باشد، پرداخت اجرت‌المثل منتفی شده و حکم به رد منافع داده خواهد شد. در مقابل، اگر چنین اتفاقی رخ ندهد، طبعاً سخنی از ضمانت اجرای مزبور به میان نخواهد آمد. گروه دیگر، میان دو نوع منفعت (افزایش دارایی و جلوگیری از کاهش دارایی با صرفه‌جویی در هزینه) تفکیک قائل شده‌اند. در صورت اول، ردّ منافع ناشی از نقض حق را پذیرفته و در صورت دوم، حکم به پرداخت اجرت‌المثل داده‌اند (Zatorski, 2023: 154).

با وجود این، پذیرش این رویکردها دشوار می‌نماید؛ چون، اولاً، لزوم ثبوت عمد در دعاوی مربوط به ردّ منافع ناشی از نقض حق با تردید جدی مواجه است. ثانیاً، دیدگاه دوم در خصوص مصداقی که افزایش دارایی و صرفه‌جویی در هزینه توأمان محقق می‌شود، راه حلی ارائه نمی‌دهد. از این رو، به نظر می‌رسد که باید راه چاره را در رکن «کفایت» خسارات ترمیمی جستجو کرد. بدین معنا که، اجرت‌المثل در غالب موارد برای صیانت از حقوق زیان‌دیده، برآورده کردن معادل حقی که مورد تجاوز قرار گرفته و بازدارندگی، کفایت می‌کند (Rotherham, 2012: 551).

از منظر نگارنده، یکی از علل اصلی بی‌توجهی به مفهوم ردّ منافع ناشی از نقض حق در بخش قابل توجهی از دعاوی مسئولیت مدنی (اعم از قهری و قراردادی) در همین نکته

نهفته است که نظام‌های حقوقی، برای تضمین حقوق اشخاص و نیز تسهیل در فرآیند تصمیم‌گیری قضایی به‌ویژه در حوزه‌ی مسائل اثباتی، غالباً به شیوه‌هایی با معیار نوعی (و نه شخصی) متوسل می‌شوند. بر این اساس، در بسیاری از موارد، اجرت‌المثل به‌عنوان یک شیوه‌ی پرداخت کافی تلقی می‌گردد. به‌عنوان نمونه، اگر شخص «الف» زمین متعلق به شخص «ب» را غصب کند، نظام حقوقی چنین فرض می‌کند که اگر قرار بود «الف» اجازه‌ی بهره‌برداری از زمین را به «ب» بدهد، قاعدتاً این اجازه متناسب با قیمت بازاری و عرفی صورت می‌گرفت. بنابراین، پرداخت اجرت‌المثل به‌عنوان جبران نوعی، برای حمایت از حقوق مالک کافی دانسته می‌شود، بی‌آنکه نیاز به ورود به محاسبات شخصی و خاصِ میزان منافع واقعیِ تحصیل‌شده توسط ناقض باشد. [۱۴]

در همین راستا، باید توجه داشت که نظام حقوقی کامن‌لا، که خاستگاه نظریه‌ی ردّ منافع ناشی از نقض حق است، گرایش بیشتری به ردّ منافع بر مبنای معیار نوعی دارد (Caggiano, 2016: 253). این گرایش، فارغ از آنکه ماهیت ردّ منافع ترمیمی تلقی شود یا خیر، نشان‌دهنده‌ی تمایل این نظام به استفاده از معیارهای عینی و قابل پیش‌بینی در مقام جبران است. بدین‌ترتیب، در کامن‌لا، ردّ منافع با معیار نوعی جایگاه پررنگ‌تری نسبت به ردّ منافع با معیار شخصی دارد؛ زیرا، معیار نوعی با سهولت در رسیدگی قضایی سازگارتر است.

[۱۴] نمود اصلی توجه به اجرت‌المثل (به عنوان یک معیار نوعی) در فقه امامیه، قاعده «الزرع للزارع و لو کان غاصباً» (منعکس‌شده در ماده ۳۳ قانون مدنی) است. معنای این قاعده آن است که اگر شخصی با هر نیتی اقدام به زراعت در زمین دیگری نماید، محصول به دلیل تبعیت نماء از عین متعلق به اوست و صاحب حق فقط می‌تواند از او اجرت‌المثل (که ممکن است بسیار کمتر از قیمت محصول باشد) اخذ نماید (خمینی، ۱۳۹۲/۸: ۲۱۹-۲۲۰). برای جلوگیری از نتایج غیرمنطقی می‌توان گفت که ردّ منافع ناشی از نقض حق با قاعده مذکور مخالفت ندارد. به عبارت دقیق‌تر، اولاً، اجرت‌المثل به عنوان حداقل خسارت قابل پرداخت معین شود. ثانیاً، در صورت اثبات افزون بودن منفعت حاصل از نقض حق بر اجرت‌المثل، غاصب باید سود حاصل از کشت و زراعت را به صاحب حق پرداخت نماید. در این تفسیر، صاحب حق مالکیتی بر محصول ندارد اما می‌تواند سود حاصله را از اموال غاصب برداشت نماید. این رویکرد در کامن‌لای انگلیسی- آمریکایی غریب نیست. مطابق ماده ۲۸۹ مجموعه قوانین ایالات متحده "United States Code: Title 35- Patents: Section 289: "Additional remedy for infringement of design patent" در صورتی که ناقض بدون اجازه از طرح یک مخترع در کالای خود استفاده نماید و آن را بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد، موظف است تمام منافع حاصل از نقض حق اختراع را به صاحب حق رد کند. البته، در هر صورت این مبلغ کمتر از ۲۵۰ دلار نخواهد بود. این رویکرد می‌تواند در خصوص اجرت‌المثل مورد استفاده قرار بگیرد.

حقوقی دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

در حقوق ایران، وضعیت عامل زیان، از این منظر که منافعی از طریق فعل خود به دست آورده (تا ردّ منافع ناشی از نقض حق پرداخت شود) علی‌الاصول فاقد اهمیت است. سهولت بهره‌گیری از اجرت‌المثل دارای چنان جذابیتی است که توان رویه قضایی برای گذر از آن را کم رمق کرده است. البته، پیشینه فقهی- حقوقی مبنی بر اعطای اجرت‌المثل و نادیده گرفتن سایر شیوه‌های جبران خسارت در وضعیت فعلی بی‌تأثیر نبوده است (ن.ک.: صفایی و جواهرکلام، ۱۴۰۰: ۳۸۰). بر این بنیاد، دادگاه‌ها تلاش می‌کنند که پرونده‌های مرتبط را صرفاً از طریق پرداخت اجرت‌المثل حل و فصل کنند (برای مطالعه سایر آرای مرتبط، ر.ک.: دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۰۸۰۱۰۳۹ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۹ صادره از شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۱۸۰۱۵۱۳ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۸ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۸۲۱۶۳۲۰۰۱۶۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۹ صادره از شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۸۰۰۱۱۱۰۰۰۸۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۱۳ صادره از شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان تهران).

هرچند گرایش عمومی نظام‌های حقوقی مورد بحث به استفاده از معیارهای نوعی در جبران خسارت، که در مواردی به بی‌توجهی به نهاد ردّ منافع ناشی از نقض حق منجر می‌شود، قابل انتقاد بوده و حتی می‌تواند خلاف اصول بنیادینی همچون قاعده أکل مال به باطل تلقی گردد، این امر نباید موجب دلسردی از کاربست ضمانت اجرای مزبور شود؛ زیرا، همچنان مسیر برای اعمال ردّ منافع در موارد مقتضی باز خواهد بود. نظام مسئولیت مدنی در مقام تنظیم روابط اجتماعی با یک واقعیت بنیادین مواجه است: همه‌ی روابط حقوقی از حیث شدت تعهد، میزان اعتماد و اهمیت اجتماعی در یک سطح قرار ندارند. برخی روابط، به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در نظم اجتماعی و اعتماد عمومی دارند، حساسیت بیشتری می‌طلبند و به همین جهت، قانون‌گذار و عرف برای پاسداشت آن‌ها معیارهای سخت‌گیرانه‌تر و ضمانت‌اجراهای شدیدتری را مقرر می‌کنند. هدف این سخت‌گیری صرفاً محدود به جبران زیان وارده نیست، بلکه واجد جنبه‌ای پیشگیرانه و بازدارنده نیز هست. به بیان دیگر، باید چنان هزینه‌ای برای نقض این حقوق در نظر گرفته شود که متعهد یا امین اساساً به سوی تخلف وسوسه نشود یا آن را به‌مراتب پرهزینه‌تر از منافع احتمالی حاصل از نقض بیابد. این سیاست حقوقی، علاوه بر حمایت از زیان‌دیده، به حفظ اعتماد

عمومی و تقویت نظم اجتماعی نیز یاری می‌رساند و بدین‌وسیله، کارکرد بازدارندگی نظام مسئولیت مدنی تحقق می‌یابد.

در رأس این دسته از روابط، «تعهدات امانی» [15] قرار دارند. این تعهدات، مانند رابطه‌ی وکیل و موکل، شریک با شریک، مدیر شرکت با سهامداران یا قیم با مولی‌علیه، بر پایه‌ی اعتماد بی‌چون‌وچرا و حسن‌نیت حداکثری شکل می‌گیرند. نقض چنین تعهداتی صرفاً یک «خطای ساده» نیست؛ بلکه خیانتی به اعتماد و زیرپا گذاشتن بنیادهای اخلاقی و اجتماعی حاکم بر آن رابطه محسوب می‌شود. حال اگر نظام مسئولیت مدنی در مواجهه با این نقض‌ها تنها به ابزارهایی چون اجرت‌المثل یا حتی خسارت ترمیمی خاص بسنده کند، با یک چالش جدی در کارکرد بازدارندگی روبه‌رو خواهد شد. منطق این چالش روشن است: اگر امین بداند که در صورت سوءاستفاده از موقعیت و نقض تعهد امانی خود، تنها به پرداخت معادل عرفی یا جبران زیان مستقیم محکوم می‌شود، ممکن است با یک محاسبه عقلانی معیوب به این نتیجه برسد که «نقض کردن، به صرفه است». به بیان دیگر، هزینه‌ی حقوقی قابل پیش‌بینی نقض (اجرت‌المثل) ممکن است در مقایسه با منفعت کلان و نامشروع حاصل از آن ناچیز جلوه کند. در چنین شرایطی، اجرت‌المثل نه تنها بازدارنده نیست، بلکه به‌طور متناقض‌نما می‌تواند انگیزه‌ی نقض را افزایش دهد؛ زیرا، امین محاسبه می‌کند که اگر تخلف آشکار شود، تنها بهای متعارف خدمت یا استفاده را خواهد پرداخت، اما اگر تخلف پنهان بماند، سودی انبوه و نامشروع نصیب او خواهد شد.

بدیهی است که در روابطی با ماهیت خاص همچون تعهدات امانی، اتکای صرف به شیوه‌های متعارف جبران خسارت نظیر اجرت‌المثل یا برخی انواع خسارات ترمیمی، نمی‌تواند کارکرد بازدارندگی نظام مسئولیت مدنی را به‌طور کامل تضمین کند؛ زیرا، این روابط بر پایه‌ی حسن نیت، اعتماد و وفاداری شکل گرفته‌اند و نقض آن‌ها به‌طور مستقیم بنیان اعتماد عمومی را متزلزل می‌سازد. از این رو، برای صیانت از این اعتماد و جلوگیری از خیانت به چنین روابطی، لازم است سازوکارهایی فراتر از جبران عرفی به رسمیت شناخته شوند؛ سازوکارهایی که نه تنها زیان وارده را جبران کنند، بلکه سود نامشروع ناقض را نیز سلب نمایند و پیام آشکاری به جامعه ارسال کنند که نقض اعتماد، با شدیدترین ضمانت‌اجراها مواجه خواهد شد. تنها در این صورت است که نظام مسئولیت

[15] Fiduciary

مدنی می‌تواند به هدف اصلی خود، یعنی پاسداشت اعتماد اجتماعی و تثبیت نظم عمومی، دست یابد. افزون بر این، در برخی موارد، محاسبه‌ی اجرت‌المثل ممکن است بسیار تصنعی، دشوار و غیرواقعی جلوه کند. در چنین وضعیتی، نهاد ردّ منافع ناشی از نقض حق می‌تواند کارآمد و راهگشا باشد؛ چون، به جای ورود در محاسبات فرضی، مستقیماً منافع نامشروعی را که ناقض از رهگذر رفتار غیرقانونی خود کسب کرده است، سلب می‌کند. بنابراین، هرچند اجرت‌المثل در مواردی مانع از بروز و ظهور رد منافع می‌شود، این امر به معنای نفی مطلق نهاد رد منافع نخواهد بود. بلکه این نهاد همچنان به‌عنوان یک ابزار استثنائی و تکمیلی در نظام مسئولیت مدنی باقی می‌ماند و در موارد خاص می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق بازدارندگی ایفا کند.

هنگامی که امکان اعطای ردّ منافع ناشی از نقض حق مورد پذیرش دادگاه قرار گرفته باشد، این پرسش مطرح می‌شود که در صورت وجود خسارت ترمیمی، آیا صاحب حق می‌تواند یکی از این دو را انتخاب کند یا امکان جمع هردو خسارت وجود دارد؟ در این زمینه و برای پیشگیری از جبران مضاعف خسارت، دو رویکرد در نظام حقوقی کامن‌لا قابل ملاحظه است: [۱۶]

در روش اول، به صاحب حق، حق انتخاب میان خسارت ترمیمی یا ردّ منافع ناشی از نقض حق اعطا می‌شود. به عبارت درست‌تر، در نظام حقوقی کامن‌لا صاحب حق می‌تواند میان مطالبه خسارت ترمیمی و ردّ منافع ناشی از نقض حق انتخاب نماید (Rendleman, 2011: 986; Kelly, 2022: 2083). مجلس لردها در پرونده دو ویتر علیه بِتس (سال ۱۸۷۳)[۱۷] اشعار داشت که: «دادگاه در پرونده نیلسون علیه بِتس (سال ۱۸۷۱)[۱۸] بدون شک این اصل کلی را تصویب کرد که در صورت صدور حکم علیه یکی از طرفین به دلیل نقض حق ثبت اختراع، دارنده حق ثبت اختراع حق دریافت همزمان سود و خسارت را ندارد. این اصل به طور کلی و بدون هیچ تمایزی اعمال می‌شود». پس، صاحب حق یکی را می‌تواند برگزیند (Patfield, 1987: 4-5).

[۱۶] برای مطالعه بیشتر پرونده‌های نامبرده و تاریخچه مربوط به شیوه برخورد دادگاه‌ها با خسارات ترمیمی و ردّ منافع ناشی از نقض حق (عموماً در پرونده‌های حقوق مالکیت فکری)، ر.ک.: (Watterson, 2004: 471-494)

[17] De Vitre v. Betts [1873]

[18] Neilson v. Betts [1871]

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

در شیوه دوم، دادگاه برای محاسبه منافع قابل رد، میزان منافع کسب‌شده را از خسارات ترمیمی کسر می‌کند. به عنوان مثال، اگر «الف» به «ب» از یکسو ۱۰۰ واحد زیان تحمیل و از سوی دیگر، ۱۵۰ واحد منفعت تحصیل کرده باشد، دادگاه خوانده را بدین صورت محکوم می‌کند: خسارت ترمیمی (۱۰۰ واحد) + ردّ منافع ناشی از نقض حقی که از خسارت ترمیمی کسر شده باشد (۵۰ واحد). به این نحو، علاوه بر اینکه از حقوق صاحب حق صیانت می‌شود، خوانده نیز در وضعیت بی‌تفاوتی قبل و بعد از ارتکاب فعل قرار می‌گیرد. شیوه محاسبه مزبور در برخی از دعاوی مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، در دعوای شرکت بزرگ شکر غرب علیه شرکت گاز شمال (سال ۱۹۸۵)[19] خواهان گاز طبیعی مورد استفاده در فرآوری چغندر قند خود را از یک شرکت گاز طبیعی خریداری کرد. این گاز تحت قراردادهایی خریداری شده بود که به فروشنده اجازه می‌داد هر زمان که «به صلاحدید مطلق خود و بدون هیچ گونه مسئولیتی» در قبال خریدار، «مجبور به انجام این کار» باشد، خدمات به شرکت را قطع کند تا نیازهای کاربران مسکونی و تجاری با اولویت بالاتر را برآورده نماید.

در طول زمستان سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹، فروشنده چندین بار تحت مجوز ماده‌ی مربوط به وقفه، خدمات‌رسانی به شرکت را قطع کرد. در طول این وقفه‌ها، شرکت ملزم به استفاده از نفت کوره (با قیمت بالاتر) بود. برای جبران این هزینه‌ی اضافی، شرکت از فروشنده شکایت کرد و استدلال کرد که این وقفه‌ها قرارداد را نقض می‌کند. دادگاه تشخیص داد که این وقفه‌ها قرارداد را نقض کرده‌اند و به شرکت ۳.۶ میلیون دلار خسارت ترمیمی اعطا کرد که نشان‌دهنده‌ی افزایش هزینه‌ها در بازار نفت کوره بود. همچنین، شرکت خواستار رد منافعی که فروشنده از طریق نقض قرارداد به دست آورده بود، شد. این شرکت دو نظریه برای حمایت از چنین ادعایی ارائه داد، یکی مبتنی بر سود فروشنده از نگهداری گاز توقیف شده و دیگری مبتنی بر سود فروشنده از نگهداری پرداخت‌های خسارتی که مشخص شده به شرکت تعلق گرفته است.

در زمان محاکمه در مورد سود در سال ۱۹۸۷، دادگاه دریافت که سود خالص نزدیک به ۱۲ میلیون دلار بوده است. دادگاه از ۱۱.۹ میلیون دلار سود حاصل از توقیف گاز، ۳.۶

[19] Great Western Sugar Co. v. Northern Natural Gas Co. [Colo. 1985]

میلیون دلار خسارت ترمیمی را کسر کرد و ۸.۳ میلیون دلار منفعت به شرکت اعطا نمود (DeLong, 1989: 764-766).

البته، این رویکرد را می‌توان به صورت دیگری نیز تفسیر کرد. در این معنا، دادگاه به بالاترین میزان رأی خواهد داد. پس، اگر خسارت ترمیمی بیشتر باشد، آن میزان مدنظر قرار می‌گیرد و در مقابل، در فرض بیشتر بودن منافع، به ردّ منافع ناشی از نقض حق حکم خواهد داد (Watterson, 2003: 22-23). به هر روی، به نظر می‌رسد که رویکردی که به بالاترین مورد حکم می‌دهد یا خسارت ترمیمی را از منافع کسر می‌کند، به صواب نزدیک‌تر باشد و افزون بر اینکه می‌تواند از جبران مضاعف خسارت جلوگیری کند، قابلیت کافی برای حمایت از حقوق خواهان را نیز خواهد داشت. در این صورت، نه خواهان بیهوده دارا می‌شود و نه خوانده بی‌جهت تنبیه خواهد شد.

۲/۳. خسارات غیرترمیمی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، هر یک از شیوه‌های جبران خسارت در حوزه‌ی خسارات غیرترمیمی، واجد غایت و کارکرد خاصی هستند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به‌عنوان ابزارهای یکسان در نظر گرفت. در واقع، برخی از این ضمانت اجراها با هدف تنبیه و مجازات ناقض حق مورد حکم قرار می‌گیرند؛ این دسته که در ادبیات حقوقی تحت عنوان خسارت تنبیهی شناخته می‌شوند، بیش از آنکه معطوف به جبران زیان وارده باشند، در پی آن‌اند که با تحمیل بار مالی مضاعف بر متخلف، نوعی بازدارندگی عام و خاص ایجاد کنند و از تکرار رفتار ناقضانه جلوگیری نمایند. در مقابل، گروهی دیگر از خسارات غیرترمیمی، صرفاً برای حمایت از حق خواهان و تثبیت جایگاه حقوقی او در برابر خوانده به کار می‌روند. این دسته که به‌عنوان خسارت اسمی مطرح می‌شوند، حتی در مواردی که زیان واقعی و قابل اندازه‌گیری وجود ندارد، به‌عنوان تأیید قضایی بر وقوع نقض حق صادر می‌گردند و بدین‌وسیله، عمل ناقضانه خوانده توسط مرجع قضایی رسمیت می‌یابد. افزون بر این، نوع دیگری از ضمانت اجراها در پی جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه ناقض هستند. در این موارد، دادگاه با حکم به ردّ منافع ناشی از نقض حق، مانع از آن می‌شود که خوانده از رهگذر رفتار غیرقانونی خود، سودی نامشروع کسب کند.

با توجه به تنوع اهداف یادشده، نمی‌توان میان این ضمانت اجراها ترتیب و سلسله‌مراتب ثابت و از پیش تعیین‌شده‌ای قائل شد. بلکه بسته به اوضاع و احوال پرونده و شدت تقصیر

یا تجری ناقض، ممکن است دادگاه‌ها به‌طور هم‌زمان از چند ابزار بهره گیرند. به‌عنوان نمونه، در مواردی که رفتار خوانده واجد درجه‌ی بالایی از سوءنیت یا بی‌اعتنایی آشکار به حقوق دیگران باشد، دادگاه می‌تواند علاوه بر حکم به ردّ منافع ناشی از نقض حق، به صدور خسارت تنبیهی نیز مبادرت ورزد تا بدین‌وسیله، هم جبران منافع نامشروع صورت گیرد و هم اثر بازدارندگی و عبرت‌آموزی تقویت شود (Kelly, 2021: 33-35; Rendleman, 2011: 999). افزون بر این، ممکن است با وجود عدم تحصیل منفعت از سوی ناقض، دادگاه از مزایای خسارات تنبیهی بهره ببرد.

در نتیجه، ردّ منافع ناشی از نقض حق در عرض سایر خسارات غیرترمیمی قرار خواهد گرفت. این رویکرد در پرونده پرو آرتس علیه هلدینگ کمپس کرافتس (سال ۱۹۸۰)[20] مورد تائید قرار گرفته است. در این قضیه، خوانده با جعل یک پوستر پرفروش، حق نشر خواهان را نقض کرده بود. قاضی لابروس خسارات وارده به شاکی به دلیل از دست رفتن فروش پوسترهای خود را که پیش‌بینی شده بود ۴۰۰,۰۰۰ عدد باشد، بر اساس سود خالص واقعی به دست‌آمده توسط خوانده از فروش ۸۲,۲۵۵ پوستر تقلیدی محاسبه کرد و علاوه بر آن، ۳۵,۰۰۰ دلار نیز خسارت تنبیهی برای ناقض در نظر گرفت. یا در قضیه وارد علیه تاگارت (سال ۱۹۵۹)[21] دادگاه اعلام کرد که خسارات تنبیهی «با مجازات فرد خاطیْ ظلم، کلاهبرداری یا بدخواهی را کاهش می‌دهد ... در مواردی که جبران خسارت اثر بازدارندگی کمی داشته باشد یا اصلاً نداشته باشد؛ زیرا، خاطیان هیچ خطری برای مسئولیت در قبال قربانیان خود، فراتر از بازگرداندن آنچه به ناحق به دست آورده‌اند، ندارند».

از منظر حقوق مسئولیت مدنی، خواهان در مقام زیان‌دیده اختیار دارد که در میان انواع خسارات غیرترمیمی، آن ضمانت اجرایی را که با مصالح و اهداف دعوای او سازگارتر است، انتخاب نماید. این اختیار انتخابی، برخاسته از اصل آزادی خواهان در تعیین شیوه‌ی جبران و نیز انعطاف‌پذیری نظام حقوقی در پاسخ به اوضاع و احوال متفاوت دعاوی است. بر همین اساس، ممکن است خواهان بدون توجه به میزان منافع نامشروعی که ناقض از رهگذر رفتار غیرقانونی خود کسب کرده است، مستقیماً از دادگاه صدور حکم به خسارت تنبیهی را

[20] Pro Arts, Inc. v. Campus Crafts Holdings Ltd. [1980]
[21] Ward v. Taggart [Cal. 1959]

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

مطالبه کند. در این حالت، هدف اصلی نه جبران زیان مادی، بلکه مجازات ناقض و ایجاد بازدارندگی در برابر تکرار رفتار مشابه است. در مقابل، ممکن است خواهان بنا به دلایلی از جمله عدم امکان اثبات تجری یا سوءنیت خوانده، از مطالبه خسارت تنبیهی صرف‌نظر کرده و به جای آن، صدور حکم به ردّ منافع ناشی از نقض حق را درخواست نماید. این رویکرد بیشتر معطوف به جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه ناقض و بازگرداندن وضعیت مالی به حالت منصفانه است، بی‌آنکه بار اثباتی سنگینِ سوءنیت یا شدت تقصیر بر دوش خواهان قرار گیرد. [۲۲] بدین‌ترتیب، انتخاب میان خسارت تنبیهی و رد منافع، تابعی از استراتژی حقوقی خواهان و شرایط اثباتی پرونده است. این انعطاف، به دادگاه‌ها امکان می‌دهد تا با توجه به خواسته‌ی خواهان و اوضاع و احوال دعوا، ضمانت اجرایی مناسب را اعمال کنند و بدین‌وسیله، هم عدالت ترمیمی و هم بازدارندگی در نظام مسئولیت مدنی تحقق یابد.

در پایان، تبیینِ چند نکته ضروری است: نخست آنکه، در نص قوانین ایران حکم روشنی مبنی بر جواز یا امتناع جمع ردّ منافع با سایر اقسام خسارات وجود ندارد. دوم اینکه، مبانی نظری تبیین‌شده در این نوشتار (در تفکیک میان خسارات ترمیمی و غیرترمیمی)، در نظام حقوقی ما نیز قابل استناد است. سوم و مهم‌تر اینکه، اطلاق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مبنی بر اختیار دادگاه در تعیین میزان زیان و کیفیت جبران آن به معنای آزادی مطلق دادرس نیست. در واقع، اختیارِ اعطایی به قاضی در تعیین خسارت مقید به فلسفه‌ی حاکم بر نظام مسئولیت مدنی و رعایت نظم منطقی (ترتب) میان انواع خسارات است؛ بنابراین، دادگاه موظف است در مقام صدور حکم، ضمنِ پاسداشت تفکیک کارکردی خسارات ترمیمی و غیرترمیمی، از صدور احکامی که به جبران مضاعف یا تداخلِ ماهویِ خسارات می‌انجامد، پرهیز نماید.

[۲۲] برای مطالعه نظر مخالف که مراتب مطالبه خسارت را بدین صورت ترسیم می‌کند: ۱. خسارت ترمیمی؛ ۲. الزام به اجرای عین تعهد؛ ۳. ردّ منافع ناشی از نقض حق و ۴. خسارت تنبیهی، ر.ک.: (Burrows, 2003: 43)

تحولات حقوقی
دوره ۲، شماره ۲ _ شماره پیاپی ۴، تابستان ۱۴۰۵

نتیجه:

ردّ منافع ناشی از نقض حق ضمانت اجرایی غیرترمیمی است. این نهاد با توجه به ماهیت استثنایی خود در طول خسارات ترمیمی قرار دارد. بدین معنا که اگر خسارات ترمیمی برای تأمین حقوق خواهان دعوا کفایت کند (یعنی، زیان‌دیده بتواند با دریافت خسارت معادل و مشابه حق نقض‌شده را تهیه کند)، در این صورت نیازی به تمسک به ردّ منافع ناشی از نقض حق نخواهد بود. لکن، اگر امکان تهیه معادلِ مشابه وجود نداشته باشد، یا زیان به طور دقیق قابلیت محاسبه نداشته باشد، یا حق نقض‌شده از چنان اهمیتی برخوردار باشد که نقض آن برای نظام حقوقی قابل تحمل نباشد (مانند تعهدات امانی)، امکان بهره‌مندی از ردّ منافع وجود خواهد داشت. به هر صورت، اگر دادگاه به این نتیجه برسد که باید از نهاد موردنظر استفاده کند، جهت جلوگیری از جبران مضاعف، دادگاه باید به بالاترین حد از میزان ردّ منافع یا خسارت ترمیمی حکم دهد. با این همه، ردّ منافع با سایر خسارات غیرترمیمی (به دلیل تفاوت در اهداف) قابلیت جمع خواهد داشت. طبعاً، قانونگذار ایرانی به هیچکدام از مسائل یادشده نپرداخته و نظام حقوقی ایران در این زمینه با خلأ قابل توجه مواجه است.

بر این بنیاد، مفاد زیر به عنوان مواد قانونی به قانونگذار پیشنهاد می‌شود:

«ماده ۱ ـ هرگاه در نتیجه نقض حق قانونی یا قراردادیِ شخصی، مسئولیت مدنی ناقض احراز گردد و وی از این نقض حق منفعتی تحصیل کرده باشد، دادگاه در صورت عدم کفایت خسارات ترمیمی، به عنوان یکی از شیوه‌های پرداخت خسارت، ناقضِ مقصر را به ردّ منافع ناشی از نقض حق به نفع صاحب حق محکوم می‌نماید؛ مشروط بر آنکه میان نقض حق و منفعت تحصیل‌شده رابطه سببیت وجود داشته باشد.

تبصره ۱ـ منافع ناشی از نقض شامل هرگونه سود یا منفعتی است که خوانده در نتیجه نقض حق تحصیل کرده است، از جمله هزینه‌های صرفه‌جویی‌شده و منافع متعاقب آن که بدون ارتکاب نقض حاصل نمی‌شد.

تبصره ۲ـ در مواردی که منفعت تحصیل‌شده تنها به طور جزئی ناشی از نقض حق باشد، دادگاه می‌تواند با توجه به میزان تأثیر نقض در تحصیل منفعت، حکم به ردّ بخشی از آن صادر نماید.

ماده ۲ ـ عدم کفایت خسارات ترمیمی، با احراز یکی از بندهای ذیل محقق می‌شود:

۱. در صورتی که صاحب حق نتواند از طریق خسارات ترمیمی یا جبران مالی، معادل حق نقض‌شده را تحصیل نماید؛

۲. در مواردی که تعیین یا اثبات میزان زیان وارده با دشواری جدی یا عدم امکان مواجه باشد؛

۳. در مواردی که هدف اصلی تعهد یا رابطه حقوقی (مانند تعهدات امانی، تعارض منافع، تعهد به عدم رقابت) جلوگیری از انتفاع ناقض از رفتار ممنوع بوده باشد؛

۴. در مواردی که حق نقض‌شده ماهیتی منحصر به فرد یا غیرقابل جایگزین داشته باشد.

ماده ۳ ـ میزان منافع قابل رد بر اساس منافع واقعی و خالص تحصیل‌شده توسط ناقض حق تعیین می‌شود. برای تعیین منافع خالص، هزینه‌های مستقیم و ضروری که ناقض برای تحصیل آن منفعت متحمل شده است از منافع ناخالص کسر می‌گردد، مشروط بر آنکه این هزینه‌ها به طور متعارف و مشروع برای تحصیل منفعت صرف شده باشد.

ماده ۴ ـ در تعیین میزان منافع، دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال قضیه و بر اساس تخمین متعارف و منصفانه اقدام نماید و عدم امکان محاسبه دقیق مانع صدور حکم به ردّ منافع نخواهد بود.

ماده ۵ ـ دادگاه می‌تواند برای تعیین میزان منافع ناشی از نقض حق، ناقض را ملزم به ارائه اسناد، اطلاعات مالی و حساب‌های مربوط نماید. در صورت امتناع یا عدم همکاری وی، دادگاه می‌تواند بر اساس قرائن و امارات موجود نسبت به برآورد منافع اقدام کند.

ماده ۶ ـ مطالبه ردّ منافع مانع از اعمال سایر ضمانت‌اجراهای غیرترمیمی نخواهد بود، لیکن جمع آن با خسارات ترمیمی در مورد واحد جایز نیست. در این صورت، برای جلوگیری از جبران مضاعف، دادگاه به بیشترین میزانِ خسارت ترمیمی و ردّ منافع ناشی از نقض حق حکم خواهد داد.

ماده ۷ ـ اثبات تحصیل منفعت ناشی از نقض حق بر عهده صاحب حق است. در صورت احراز اصل تحصیل منفعت، اثبات هزینه‌های قابل کسر برای تعیین منافع خالص بر عهده ناقض خواهد بود».

- **منابع**

فارسی

۱. اشرفی، ملا محمد (۱۳۸۵)، **شعائر الاسلام**، با تصحیح و تعلیق: باقری، احمد، جلد اول، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.

۲. بابایی، ایرج (۱۴۰۴)، «نقش عنصر زمان در انجام تعهدات قراردادی و ضمانت اجرای عدم انجام به موقع تعهد»، **پژوهش حقوق خصوصی**، دوره ۱۳، شماره ۵۰.

۳. بابایی، ایرج و آزادبخت، شبیر (۱۴۰۴)، «مفهوم و جایگاه ردّ منافع ناشی از نقض حق در مسئولیت مدنی قراردادی؛ چالش‌ها و کاربردها»، **پژوهش حقوق خصوصی**، دوره ۱۴، شماره ۵۲.

۴. بابایی، ایرج و آزادبخت، شبیر (۱۴۰۵)، «مطالعهٔ تطبیقی و تبیین مبانی روش جبران خسارت رد منافع ناشی از نقض حق در کامن‌لای انگلیسی ـ آمریکایی»، **دیدگاه‌های حقوق قضایی**، دوره ۳۱، شماره ۱۱۵.

۵. بالی‌پور بابادی، سعید؛ احمدی، فیروز و میرزائی، جمشید (۱۴۰۲)، «امکان سنجی استرداد منافع ناشی از نقض قرارداد در حقوق ایران با مطالعه حقوق انگلیس»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۲۷، شماره ۱.

۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۵)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: گنج دانش.

۷. حسینی، سیده ام‌البنین و عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۹۷)، «بازتعریف مفهوم استرداد دارایی‌های نامشروع در نظام حقوقی انگلیس و ایران»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره ۲۲، شماره ۴.

۸. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲)، **استفتائات**، جلد هشتم، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

۹. خورسندیان، محمدعلی و سخنور، مهدی (۱۴۰۰)، «قابلیت مطالبه منافع ناشی از طمع‌ورزی در قرارداد: مطالعه‌ای در حقوق امریکا و ایران»، **مطالعات حقوقی**، دوره ۱۳، شماره ۳.

۱۰. داراب‌پور، مهراب (۱۳۹۶)، **مسئولیت‌های خارج از قرارداد: پرداخت خسارت، استرداد عین و امتیازات**، چاپ سوم، تهران: مجد.
۱۱. رضایی، روح‌الله (۱۴۰۲)، «سلب منافع؛ واکنشی به نقض عامدانه قرارداد (مطالعه تطبیقی در نظام کامن‌لا، رومی-ژرمنی، ایران و مبانی فقهی)»، **دانش حقوق مدنی**، دوره ۱۳، شماره ۲۵.
۱۲. صفایی، سید حسین و جواهرکلام، محمدهادی (۱۴۰۰). **حقوق مدنی پیشرفته: نمایندگی و امانت (وکالت، ودیعه و عاریه)**، جلد دوم، چاپ اول، تهران: سهامی انتشار.
۱۳. صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷)، **مسئولیت مدنی تطبیقی**، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۴. عابدیان، میر حسین و عبدی، مونا (۱۳۹۹)، «تحلیل حقوقی-اقتصادی قابلیت پذیرش خسارات مبتنی بر نفع عایدی ناقض قرارداد» **تحقیقات حقوقی**، دوره ۲۳، شماره ۸۹.
۱۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴)، **الزام‌های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی (مسئولیت‌های خاص و مختلط)**، جلد دوم، چاپ دوازدهم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. ماهونکی، محمد صادق؛ انصاری، اعظم و قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۹۹)، «مبانی استرداد مبتنی بر خطا در کامن‌لا و حقوق ایران»، **حقوق خصوصی**، دوره ۱۷، شماره ۱.
۱۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۷)، **قواعد فقه بخش مدنی: مالکیت-مسئولیت**، جلد اول، چاپ پنجاهم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۸. نعمت‌اللهی، اسماعیل و سیدعلی روته، مریم سادات (۱۳۹۹)، «بررسی خسارت اعاده منفعت در حقوق مسئولیت مدنی در حقوق کامن‌لا و ایران»، **حقوق خصوصی**، دوره ۱۷، شماره ۳۶.
۱۹. یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵)، **قواعد عمومی مسئولیت مدنی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه**، جلد اول، چاپ اول، تهران: میزان.

انگلیسی

20. Bauman, J. A., York, K. & Bauman J. H. (2006). **Gilbert Law Summaries; Remedies**. Gilbert.
21. Blanchard, S. (2022). "Nominal damages as vindication". **George Mason Law Review**, 30 (1), 227-277.
22. Burrows, A. (2003). "Damages for Breach of Contract: Developing Hierarchy?". **Bracton Law Journal**, 35, 28-44.
23. Caggiano, I. (2016). "Disgorgement, compensation and restitution: comparative approach". **Global Jurist**, 16 (2), 243-266.
24. Campbell, D & Wylie, Ph. (2003). "Ain't no telling (which circumstances are exceptional)". **Cambridge Law Journal**, 62 (Part 3), 605-630.
25. Cane, P. (1997). **The Anatomy of Tort Law**. Oregon: Hart Publishing.
26. Clapton, M. S. (2008). "Gain-based remedies for knowing assistance: Ensuring assistants do not profit from their wrongs". **Alberta Law Review**, 989-1016.
27. Cunnington, R. M., "The inadequacy of damages as a remedy for breach of contract". In: Rickett, Ch. (ed). (2008). **Justifying private law remedies**. Oregon: Hart publishing.
28. DeLong, S. W. (1989). "The efficiency of disgorgement as remedy for breach of contract". **Indiana Law Review**, 22 (3), 737-776.
29. Edelman, J. (2002). **Gain-Based Damages: Contract, Tort, Equity and Intellectual Property**. Oregon: Hart publishing.
30. Franklin, M. A. & Rabin, R. L. (1996). **Cases and Materials on Tort Law and Alternatives**. California: The Foundation Press, Inc.
31. Harpwood, H. (2009). **Modern Tort Law**. 7th Edition. Routledge-Cavendish.
32. Hillman, R. A. (2014). **Principles of Contract Law**. St. Paul, MN: West Academic Publishing.
33. Kelly, D. B. (2021). "Double Deterrence: Restitution and Punitive Damages in Trust and Fiduciary Law". **Iowa Law Review**, 107, 1-51.
34. Kelly, D. B. (2022). "On disgorgement and punitive damages in trust law". **Iowa Law Review**, 107 (5), 2079-2134.
35. Koziol, H. & Wilcox, V. (2009). **Tort and Insurance Law**. Vol. 25, Springer-Verlag / Wien.
36. Patfield, F. (1987). "The modern remedy of account". **Adelaide Law Review**, 11 (1), 1-31.
37. Pearce, D., & Halson, R. (2008). "Damages for breach of contract: compensation, restitution and vindication". **Oxford Journal of Legal Studies**, 28 (1), 73-98.

38. Peel, E., (2015). **The Law of Contract**. Washington: Thomson Reuters.
39. Rendleman, D. (2011). "Measurement of Restitution: Coordinating Restitution with Compensatory Damages and Punitive Damages". **Wash. & Lee L. Rev**., 68, 973-1006.
40. Rotherham, C. (2012). "Deterrence as justification for awarding accounts of profits". **Oxford Journal of Legal Studies**, 32 (3), 537-562.
41. Sangiuliano, A. (2016). "corrective justice account of disgorgement for breach of contract by analogy to fiduciary remedies". **Canadian Journal of Law and Jurisprudence**, 29 (1), 149-190.
42. Scharge, E. J. H. (2013). "Liability to disgorge profits upon breach of contract or a delict". **Obiter**, 34 (1), 17-28.
43. Temple, A. (2008). "Disgorgement Damages for Breach of Contract". **Denning Law Journal**, 20, 87-110.
44. Virgo, G. & Worthington, S. (2017). **Commercial Remedies: Resolving Controversies**. Cambridge University Press.
45. Watterson, S. (2003). "Alternative and Cumulative Remedies: What Is the Difference". **RLR**, 11, 7-25.
46. Watterson, S. (2004). "An account of profits or damages the history of orthodoxy". **Oxford Journal of Legal Studies**, 24 (3), 471-494.
47. Zatorski, D. (2023). **Gain-based Remedies for Breach of Contract: A Comparative Analysis of English and Polish Law**. New York: Oxford University Press Inc.